

فیلم «پیانو» ساخته خانم جین کمپیون در اسکار امسال برنده سه جایزه شد. این فیلم سال گذشته نیز جایزه نخل طلایی جشنواره کن را مشترکاً با یک فیلم چینی به دست آورد و پس از آن در چند جشنواره دیگر به نمایش درآمد و با تحسین همگانی روبه‌رو گشت. فیلم پیانو طی نه ماه گذشته جزو پربیننده‌ترین و موفقترین فیلمهای سال بوده و در اکثر کشورهای جهان با استقبال روبه‌رو شده است. جوایز اسکاری که به فیلم پیانو تعلق گرفت عبارتند از:

اسکار بهترین فیلمنامه به «جین کمپیون» برای فیلم پیانو.
اسکار بهترین بازیگر نقش اول زن در فیلم پیانو به «هالی هانت».

اسکار بهترین بازیگر نقش دوم زن به «آنا پاکوین» بازیگر خردسال ده‌ساله.
هالی هانت، بازیگر ۳۶ ساله آمریکایی، علاوه بر جایزه اسکار سال گذشته در جشنواره کن، جایزه بهترین بازیگر زن برای فیلم پیانو را نیز دریافت کرد. وی از اواسط دهه ۱۹۸۰ به بازیگری روی آورد و با فیلم «همیشه» اثر «استیون اسپیلبرگ» به شهرت رسید. به انگیزه موفقیت‌های اخیر «جین کمپیون» مروری داریم بر آثارش: ❏

جین کمپیون با فیلم پیانو به مرحله جدیدی از بلوغ هنری خود گام نهاد، به گونه‌ای که گویا هنگام خلق این اثر تمام نبوغ هنری خود را در اختیار داشته است. کمپیون که متولد نیوزیلند است، از اواسط دهه ۸۰ به ساختن فیلمهای کوتاه روی آورد و در سال ۱۹۸۹ با فیلم سویتی به بخش مسابقه جشنواره کن راه یافت. سویتی فیلمی عرفانی بود که از نظر تجاری با شکست فاحشی

روبه‌رو گشت اما در کشورهای اروپایی و به‌خصوص در فرانسه موفقیت عظیمی به دست آورد که سبب شد دو فیلم بعدی این فیلمساز با حمایت فرانسویها روبه‌رو شود و در بخش مسابقه جشنواره کن به نمایش درآید. کمپیون در فیلم سویتی در به تصویر کشیدن ابتذال، دنات و ماهیت رو به زوال انسانی بسیار موفق بود.

در ۱۹۸۹، کمپیون فیلم فرشته‌ای بر سر میز من را ساخت که در همان سال چند جایزه اصلی جشنواره ونیز و از جمله «شیر طلایی» این جشنواره را به چنگ آورد. در این فیلم، کمپیون سه دوره مختلف از زندگی نویسنده مورد علاقه خود، جانت فریم، را به تصویر کشید. با توجه به این که کمپیون نقاش هم هست، برای هر دوره از زندگی جانت فریم، رنگهای متفاوتی را انتخاب کرد که با ماهیت روحی - روانی و علایق وی تطابق داشت. علاقه به رنگهای تند سبب گشته است که کمپیون در سه فیلم بلند خود به این مسئله گرایش داشته باشد. وی در مورد این فیلم گفته است: «با ساختن فیلم فرشته‌ای بر سر میز من، قبل از هر چیز گوشه‌هایی از زوایای پنهان زندگی خودم را به تصویر کشیده‌ام. احساس می‌کنم همه ما در زندگی به فرشتگانی مهربان نیاز داریم، فرشتگانی که در خلأ روحی و در نومییدی، مخاطب خوبی برای حرفهای تنهایی ما باشند. در فیلم فرشته‌ای بر سر میز من، سعی کرده‌ام برای جانت فریم فرشته مهربانی باشم...»

در سال ۱۹۹۲، کمپیون، فیلم پیانو را ساخت. فیلمی که بسیار رماتیک و سرشار از افسون و روایات و شخصیت‌پردازی پر قدرت آن از همان ابتدا یک امتیاز برای آن محسوب می‌شود. در پیانو به جهانی از عرفان

متعصبانه قومی وارد می‌شویم که جانمایه آن بر اساس شیدایی پنهان عشق و هستی شکل گرفته است. تقابل زشتی و زیبایی در دنیای پیانو و رویکردهای متعارض آن، که در تمامی پلانهای فیلم مستتر است، حسی از زندگی جبری را به نمایش می‌گذارد و نوای پیانو این حس را القا می‌کند. حسی که بسیار تلخ و مبهم است اما در ادامه فیلم به کلید این رمز مبهم دست می‌یابیم:

در سال ۱۸۵۲، در نیوزیلند قرار است زنی به نام آدا (هالی هانت) به میان قبیله مائوری، در جنگلهای استرالیا رفته و بنا به دستور پدرش و بالاچار با مردی به نام استوارت (سام نیل) ازدواج کند. در این سفر دریایی، تنها فرزند خود، فلورا (آنا پاکوین)، پیانوی محبوبش و تعدادی چمدان را به همراه می‌برد. در این سفر همچنین مردی بدوی به نام بنی (هاروی کیتل) آدا را در سفر همراهی می‌کند.

در بدو ورود به جزیره، همسر تحمیلیش، استوارت، رفتار وحشیانه‌ای با او دارد. او آدا را درک نمی‌کند و از پیانو متنفر است و سعی می‌کند پیانو را از بین ببرد اما فلورا به شیوه‌ها و تمهیدات مختلف سعی می‌کند این رفتار را تعدیل کند. بنی، این مرد بدوی، عمیقاً شیفته آهنگهایی است که آدا می‌نوازد موسیقی و کلیدهای پیانو زیر انگشتان سحرآفرین این زن ساکت، آدا، در هم شکسته می‌شوند و جادوی تصاویر به اوج خود می‌رسند. به تدریج درک متقابل و عاطفی آدا و بنی نسبت به هم عمیقتر می‌شود. استوارت که از رابطه عاطفی آنها آگاه شده است، در یک حرکت جنون آمیز، یکی از انگشتان آدا را با تبر قطع می‌کند. آدا که دچار یأس و دلسردی شده است قصد دارد خود را در دریا

«پیانو»، ساخته جین کمپیون

● قرار است در نیوزیلند، زنی به نام «آدا» به میان قبیلهٔ مائوری، در جنگلهای استرالیا رفته و بنا به دستور پدرش و بالاجبار با مردی به نام «استوارت» ازدواج کند. در این سفر دریایی، تنها فرزند خود، «فلورا» و پیانوی محبوبش را به همراه می‌برد.



س. هانتز بازیگر نقش «آدا» و آنا پاکوین بازیگر نقش «فلورا» در فیلم پیانو

زننده سه‌جانیده اسکار ۹۰



جین کمپیون برندهٔ جایزهٔ اسکار برای فیلمنامهٔ «پیانو»

مهمترین نکته در فیلم «پیانو» منطق خردگرایانه و تعقلی آن است بدون اینکه این منطق خردگرایانه به منطق رمانتیک و فانتزی فیلم، که برگرفته از پرسوناژهای آن است، لطمه بزند. ضمن اینکه تماشاگر را در این احساسات رمانتیک سهیم می‌کند. اما کلید رمز این احساس در کجاست؟ بدون تردید کلید این تقدیر رمز آلود را باید در فرجام دوستی آدا و بنی دانست. استوارت یکی از انگشتان همسر خود را با تبر قطع می‌کند اما آدا با از دست دادن عضوی از بدن خود به مضمون واقعی عشق دست می‌یابد.

تصاویر و پلانها در فیلم «پیانو» کیفیتی هندسی با حجمهایی ناقص و متفاوت دارند. افراد قبیلهٔ مائوری، خانهٔ استوارت، درختان و حرکت انگشتان آدا بر روی کلایه‌های پیانو کیفیتی از حجمهای فضایی دارند و در فضا به حال تعلیق می‌باشند و بدین ترتیب به نظر می‌رسد که شخصیت‌های فیلم در کنار کمال و صلابت ظاهری، در ضمیر و عمق خود چیزی از زندگی کم دارند. در فیلم «پیانو»، آدا گمشده‌ای در درون خود دارد، گمشده‌ای مرموز که سعی می‌کند در کلایه‌های پیانو به آن عینیت ببخشد. گمشده‌ای که سالهاست جین کمپیون نیز در آثار خود، به دنبال آن می‌گردد. واز اینجاست که به کلید رمز این گمشده دست می‌یابیم: آرمانگرایی بلافصل، عرفان، عشق رمانتیک و اسطوره بودن برای کمپیون فصلی گمشده از زندگی است که در آثار خود به جستجوی آن برخاسته است، همچنانکه سکوت برای آدا فصلی از آفرینندگی و خلق عشق است. وقتی آدا برای استوارت نقش یک تابو را پیدا می‌کند دوستی بنی با آدا حسی از مفهوم امید و افسون را به وجود می‌آورد.

در آثار کمپیون ماهیت وجودی اعمال مهم است و نه کیفیت اعمال. اگر در آثار کمپیون رویکرد به اشیا و اعمال تا حد همانندسازی با پرسوناژها به چشم می‌خورد بدین سبب است که ارزش از دست رفتهٔ خود را باز یابند. در فیلم «پیانو» نیز کمپیون به دنیای پیچیدهٔ مفاهیم اخلاقی و عاشقانه و اشیا ماهیتی اسطوره‌ای و عقلانی می‌بخشد. همچنانکه خود نیز به مقولهٔ سینما چنین می‌نگرد.

غرق کند اما بنی او را نجات داده و برایش انگشتی فلزی می‌سازد و آنرا با پوست و خون آدا پیوند می‌دهد. آنگاه آدا با انگشتی فلزی شروع به نواختن می‌کند. در «پیانو» آنچه ماهیت رویکردهای روانکاوانه و شخصیتی آدا را تبیین می‌کند، در جوهره و اصل موسیقی تبلور می‌یابد به گونه‌ای که آدا تمامی عواطف و نشانه‌های گفتاری خود را به زبان موسیقی جاری می‌کند. در این فیلم، موسیقی زبانی فراتر از جادوی تصویر دارد که در عمق خود از افسون نقوش ذهنی آدا نشأت گرفته و به درامی تأثیرگذار تبدیل می‌شود. در آن انزوای مطلق، موسیقی برای آدا مرز میان تاریکی محض و بارقه‌هایی از امید به زندگی و آینده است.

● «استوارت» یکی از انگشتان «آدا» را با تبر قطع می‌کند. «آدا» که دچار یأس و دلسردی شده است، قصد دارد خود را در دریا غرق کند.

● مهمترین نکته در فیلم «پیانو»، منطق خردگرایانه و تعقلی آن است بدون اینکه این منطق خردگرایانه به منطق رمانتیک و فانتزی فیلم لطمه بزند.

معرفی کتاب

ادبیات

- شرح سودی بر حافظ / بصمت ستارزاده، تهران، زرین نگاه، ۱۳۷۱، ج ۲ (۸۴۸ ص)، ج ۷، ت ۳۰۰، ۲۵۰۰ تومان (دوره چهارجلدی).

- گزینۀ اشعار فروغ فرخزاد / فروغ فرخزاد، تهران، مروارید، ۱۳۷۱، ج ۲۶۰، ج ۶، ت ۴۴۰، ۲۰۰ تومان.

- منطق الطیر عطار / تلخیص و توضیح: فاطمه صنعتی‌نیا و کامل حمدنژاد، تهران، زوار، ۱۳۷۲، ج ۱۷۰، ج ۱، ت ۳۰۰، ۱۸۰ تومان.

- عاشقانه در کوی عارفان / برگزیده معصومه علویان قوانینی، تهران، قوانین، ۱۳۷۲، ج ۶۵۶، ج ۱، ت ۵۵۰، ۳۰۰ تومان.

- پنجره / فهمیه رحیمی، تهران، چکاوک، ۱۳۷۲، ج ۴۵۴، ج ۴، ت ۱۰۰۰۰، ۳۵۰ تومان.

- خانه محبوب من و سه داستان دیگر / مریم روحانی، تهران، شرکت رجای فرهنگی، ۱۳۷۲، ج ۷۰، ج ۱، ت ۵۰۰۰، ۶۵ تومان.

- خزان یک زن / پروانه پوران فکر، تهران، فرید، ۱۳۷۲، ج ۱۴۶، ج ۱، ت ۵۰۰۰، ۱۶۰ تومان.

- رابعه دختر کعب / ناصر نجمی، تهران، گوتنبرگ، ۱۳۷۲، ج ۲۲۴، ج ۱، ت ۵۰۰۰، ۳۰۰ تومان.

- گلی در شوره‌زار / نسرین ثامنی، تهران، کتاب آفرین، ۱۳۷۲، ج ۲۲۲، ج ۱۴، ت ۳۰۰۰، ۱۲۰ تومان.

- لیلی و مجنون / فریده گلبر

(کردوانی)، تهران، جرس، ۱۳۷۲، ج ۱۸۰، ج ۱، ت ۳۰۰۰، ۱۲۰ تومان.

- هزارویک لطیفه / گردآورنده مریم زندی‌پور، تهران، بیمان، ۱۳۷۲، ج ۱۴۴، ج ۱، ت ۴۰۰، ۸۰ تومان.

فلسفه و روانشناسی

- هنر عشق ورزیدن / اریک فروم، ترجمه پوری سلطانی، تهران، مروارید، ۱۳۷۲، ج ۲۳۶، ج ۱۵، ت ۱۸۵، ۵۰۰۰ تومان.

- پیشگوییهای نوستر آداموس / ترجمه پوران فرخزاد، تهران، عطایی، ۱۳۷۲، ج ۸۹۶، ج ۳، ت ۳۰۰، ۷۰۰ تومان.

- سخنی تازه در زمینه شناخت روان‌انسان / الهه طباطبایی، تهران، ایران زمین، ۱۳۷۲، ج ۵، ت ۳۲۵، ۵۰۰۰ تومان.

- رازهای اختراگی نی‌چینگ / ایوب‌تفری، ترجمه شهرنوش پارس‌پور، تهران، روایت، ۱۳۷۲، ج ۳۲۸، ج ۱، ت ۳۰۰۰، ۲۵۰ تومان.

- نگهبان دروازه / پاتریشیا هایز، ترجمه فریده مهدوی دامغانی، تهران، مترجم، ۱۳۷۲، ج ۳۳۲، ج ۱، ت ۴۰۰۰، ۲۲۰ تومان.

آموزش و پرورش

- زبان آموزی به ناشنوایان / زهره گل‌کسا / یروین و ع. کاکوچویاری، تهران، نشر کوبه، ۱۳۷۲، ج ۹۶، ج ۱، ت ۳۳۰۰، ۱۲۰ تومان.

- دستور زبان انگلیسی / مه‌لفا سعادت، تهران، دبیر، ۱۳۷۲، ج ۵۶۰، ج ۱۲، ت ۵۲۰۰، ۲۸۰ تومان.

- فرهنگ دانش‌آموز انگلیسی به فارسی / بدری مسعودی صحنه‌سرای، تهران، نشر فرهنگ و هنر، ۱۳۷۲، ج ۴، ت ۵۰۰۰، ۱۲۰ تومان.

- مکالمات روزمره انگلیسی همراه با گرامر / با همکاری شیناز قدیمی، تهران، ایران صفحه، ۱۳۷۲، ج ۱۴۴، ج ۶، ت ۵۰۰۰، ۱۵۰ تومان.

- مکالمات روزمره انگلیسی همراه با نوار / با همکاری شیناز قدیمی، تهران، ایران صفحه، ۱۳۷۲، ج ۴۸، ج ۹، ت ۶۰۰۰، ۷۵ تومان (بدون نوار).

- فرهنگ افعال فرانسه: الفبایی - قیاسی / مهشید مشیری، تهران، سروش (انتشارات صدا و سیما)، ۱۳۷۲، ج ۵۷۶، ج ۱، ت ۵۰۰۰، ۷۸۰ تومان.

کلیات - گنجینه دانستیها

برای نوجوانان / ترجمه لاله صاحبی... (و دیگران)، تهران، جانشینان، ۱۳۷۲، ج ۲۲۸، ج ۲، ت ۳۰۰۰، ۲۶۰ تومان.

علوم خالص

- آزمون فیزیک و مکانیک / ج. رابرتسون و ه. شون، ترجمه فیروزه آرش و جلال‌الدین پاشایی‌راد، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲، ج ۳۲۰، ج ۱، ت ۳۸۵، ۳۰۰۰ تومان.

علوم عملی

- آموزش زایمان آسان بدون درد و مراقبتهای دوران بعد از زایمان / هولمس جانز، ترجمه علی رنجبر، تهران، مترجم، ۱۳۷۲، ج ۱۶۰، ج ۱، ت ۳۰۰۰، ۲۰۰ تومان.

- آنچه باید هر دختر بداند / ماری وودآلن، ترجمه نصرت‌الله کاسمی، تهران، کومش، ۱۳۷۲، ج ۴، ت ۳۰۰۰، ۲۵۰ تومان.

- آنچه باید یک پسر بداند / از مجموعه سیلوانوسن استال، ترجمه نصرت‌الله کاسمی، تهران، کومش، ۱۳۷۲، ج ۲۰۰، ج ۴، ت ۳۰۰۰، ۲۲۰ تومان.

- بهداشت کار / پرپوش حلم سرشت و اسماعیل دل‌پیشه، تهران، چهره، ۱۳۷۲، ج ۴۵۴، ج ۱، ت ۴۰۰، ۳۵۰ تومان.

- بیوشیمی با کاربرد بالینی / ت. دولیت، ترجمه مژگان اسدی... (و دیگران) تهران، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، معاونت پژوهشی، ۱۳۷۲، ج ۱۰ (۸۲۸ ص)، ج ۱، ت ۳۰۰۰، ۵۰۰ تومان.

- پرستاری داخلی جراحی برونز / ترجمه برونز سودارت، پروانه بیشه‌بان و مرتضی دلاورخان، تهران، نشر و تبلیغ بشری، ۱۳۷۲، ج ۳۴۰، ج ۱، ت ۳۰۰۰، ۳۴۰ تومان.

- پرستاری داخلی - جراحی: پرستاری ارتوپدی / برونز سودارت، ترجمه پروانه بیشه‌بان و مرتضی دلاورخان، تهران، نشر و تبلیغ بشری، ۱۳۷۲، ج ۳۴۰، ج ۱، ت ۳۰۰۰، ۳۴۰ تومان.

- جوانان، ازدواج و مسایل جنسی / روح‌الله خالقی، تهران، حافظ، ۱۳۷۲، ج ۳۲۰، ج ۸، ت ۶۰۰۰، ۲۵۰ تومان.

- دانستیهای پزشکی برای نوجوانان / کامران پروانه، تهران، نشر سمور، ۱۳۷۲، ج ۶۸، ج ۲، ت ۶۰۰، ۵۰۰۰ تومان.

آیا کودک شما کج رفتار است یا فقط خرابکار، فضول و زودرنج؟ در جنگب خواسته‌ها چه کسی برنده و چه کسی بازنده است؟

بچه‌ها می‌توانند خیلی بد باشند. شما را تا صبح بیدار نگه دارند، لباس نوی شما را کثیف کنند و بدون هیچ دلیل واضح و موجهی گریه سر دهند اما اگر شیطنت را به معنی رفتار بد و عمدی بدانیم، بنابراین کودک شما اصلاً شیطان نیست. او گریه می‌کند تا به شما بگوید به چیزی مانند غذا، تعویض کهنه و یا آغوش شما احتیاج دارد. آنچه مسلم است او اینکار را برای آزار دادن شما نمی‌کند. بچه حتی هنگامی که چهار دست و پا راه می‌رود، مفهوم «درست» و «نادرست» را درک نمی‌کند. بنابراین عمداً چیزی را خراب نمی‌کند. پس دفعه دیگر که مشاهده کردید طفل نوپای شما ظرف غذا را برگردانده و تمام دست و صورتش را چرب کرده و یا از میان کتابهایی که از قفسه پایین ریخته به شما لبخند می‌زند، مطمئن باشید که واقعاً کار بدی نکرده است. یک کودک سالم می‌خواهد همه چیز را در جهان پیرامون خود بیاموزد. حس کنجکاوی طبیعی طفل دائماً او را به دردمس می‌اندازد. با اینکه اکثر خرابکاریهای او کاملاً تصادفی است اما چندان طول نمی‌کشد که یاد می‌گیرد چگونه واقعاً خرابکار باشد، آن هم درست وقتی که می‌خواهد! ■■

برخی اوقات، خصوصاً زمانی که بچه مدرسه را آغاز می‌کند، مشکل می‌توان گفت که کدام کار نادرست را عمداً و کدام را سهواً انجام داده است. راهنماییهایی که در اینجا آمده، می‌تواند شما را تا حدودی در تشخیص بچه شیطان و خرابکار از بچه خوب و بی‌آزار یاری دهد:

وقتی کار بد زیاد هم بد نیست: او فقط کنجکاو شده است! بچه‌ها محیط پیرامون خود را با کشف و تجربه کردن می‌شناسند. کودک از سن شش یا هفت ماهگی دوست دارد دکمه‌ها را فشار دهد، کشوها را بیرون بکشد و به صدای بلند به هم خوردن اشیایی که در دست دارد گوش دهد. البته تمام اینها به طور اجتناب ناپذیری عواقب ناراحت کننده‌ای برای بزرگترها در

بی دارد.

اما به خاطر داشته باشید که یک بچه سالم و با هوش تمایل به تحرک دارد و درست از زمانی که چهار دست و پا راه می‌رود، دیگر دلش نمی‌خواهد بدون حرکت بنشیند. مسلم است که شما نمی‌خواهید او را از کشف محیط پیرامونش منصرف کنید و جلوی یادگیری او را بگیرید اما باید مطمئن شوید که به خودش صدمه نمی‌زند و یا به وسایل خطرناک دسترسی ندارد. پس سعی کنید خودتان نکات ایمنی را رعایت کنید و به او اجازه دهید با اشیای بی‌خطر و مواد بی‌ضرر تماس داشته باشد و آن طور که می‌خواهد آنها را کشف و زیرورو کند. او می‌تواند با وسایل پلاستیکی آشپزخانه، یک دسته کلید و یا چند قرقره خالی که در کشوی نزدیک زمین قرار دارد بازی کند. کودک اسباب بازیهایی را دوست دارد که تعداد زیادی دکمه و شاسی و قسمتهای متحرک داشته باشد تا او بتواند آنها را فشار دهد یا بچرخاند.

شیطنت نوعی فراگیری است:

بچه گاهی اوقات شیطان و خرابکار می‌شود چون فرق میان درست و نادرست را نمی‌داند. یک نوپای ۱۸ ماهه واقعاً نمی‌داند که مالیدن شُبا به موهایش کار درستی نیست و از نتیجه این کار یعنی شستشوی موهایش اصلاً خوشش نمی‌آید و بدخلقی می‌کند، با این حال نهایتاً می‌آموزد که چه کاری را باید و چه کاری را نباید انجام دهد.

او شما را امتحان می‌کند:

کودک ممکن است عمداً کار نادرستی انجام دهد که ببیند چه وقت صدای شما بلند می‌شود. اینجا دیگر شما هستید که باید حدود مرزی را مشخص کنید و محکم و استوار در موضع خود بایستید. این کار به او کمک می‌کند خوب را از بد تشخیص دهد و بداند از او چه توقعاتی دارید.

کاملاً اتفاق بود:

در طی سالهای اول زندگی، بچه مرتکب خطاهایی می‌شود که واقعاً بدون منظور هستند. ناشیگری طبیعی، فقدان هماهنگی و دانش اندک او منجر به یک اتفاق ناخواسته می‌شود: چیزی را می‌شکند یا می‌ریزد. اما این کار شیطنت نیست و شما نباید خیلی سخت

بگیرید.

به من نگاه کن، من دارم بچه بدی می‌شوم! هیچ کس دوست ندارد نادیده گرفته شود. اگر بچه حس کند که بهترین راه برای جلب توجه شما اندکی خرابکاری یا کار نادرست است خیلی سریع راههای زیادی را برای جلب توجه شما کشف می‌کند. در واقع تمایل به مورد توجه بودن به خودی خود بد نیست اما باید دید چرا او توجه شما را می‌خواهد. شاید احساس می‌کند وقتی که خوب است، به اندازه کافی به او توجه نمی‌شود. شما باید همیشه رفتار صحیح او را مورد تمجید و ستایش قرار دهید. شاید به دلیل تعویض منزل، در راه بودن نوزادی جدید و یا دور بودن یکی از والدین، احساس ناامنی می‌کند و نیازمند توجه بیشتر شما باشد. اگر چنین است به کودک توضیح دهید که رفتار شما را ناراحت می‌کند، او را در آغوش بگیرید و ببوسید. اگر بچه‌های متعددی دارید، به کودک بیاموزید که شما متعلق به همه آنها هستید. سعی کنید مدت زمانی را برای هر بچه کنار بگذارید، برای آنها کتاب بخوانید یا در مورد موضوعات مورد علاقه آنها صحبت کنید. برای این کار می‌توانید از اقوام و آشنایان نیز کمک بگیرید. این کار موجب تشویق کودک به ایجاد رابطه صحیح با سایر بزرگسالان می‌گردد و فشار کمتری هم به شما وارد می‌شود.

چرا او این کار را می‌کند؟

پیش از آنکه به آخرین خرابکاری کودکتان عکس‌العمل نشان دهید، لحظه‌ای درنگ کنید و از خود پرسید: چرا او اینکار را می‌کند؟ پس از آن با اطمینان بیشتری عکس‌العمل صحیح را نشان می‌دهید و حالت عصبی شما به نوعی سرزنش ملایم تبدیل می‌شود. او ممکن است:

بخواهد جلب توجه کند.

حوصله‌اش سر رفته.

از چیزی عصبی شده.

کنجکاو شده.

تصادفی بوده.

نهمیده چه کار می‌کند.

شما را امتحان می‌کند تا ببیند چقدر به او

میدان می‌دهید.



● یک بچه سالم و باهوش تمایل به تحرک دارد و درست در سن دهنش نمی خواهد بدون حرکت بنشیند.

من
شیطون
نیستم!

● گاهی کودک آنقدر گستاخ است که می خواهد عکس العمل شما را بسنجد. ساده ترین راه این است که گستاخی او را به شوخی برگزار کنید و به رویش نیاورید.



کلر شاو
ترجمه نریا طالبزاده

مشکلات عمده نوجوانان

لجبازی: کلاه بچه را سرش می‌کنید ولی او آن را از سر برمی‌دارد، روی زمین پرت می‌کند و پی کار خود می‌رود. شما می‌دانید که او می‌خواهد با انجام عمل مخالف، عکس‌العمل شما را امتحان کند. این حالت غالباً در سن دو سالگی آغاز می‌شود و متأسفانه تا دوران نوجوانی ادامه می‌یابد.

آیا این کار واقعاً شیطنت است؟ بله. تا زمانی که کودک تفاوت میان عمل خود و خواسته شما را درک کند، این کار نوعی کج رفتاری به حساب می‌آید. شاید او شدیداً میل دارد استقلال خود را حفظ کند، بنابراین عکس‌العمل نشان می‌دهد. اگر او سعی داشته باشد شما را برانگیزد و در این کار نیز موفق شود، نتیجه یک برخورد ناملازم خواهد بود که هیچ سودی نخواهد داشت. بنابراین او را نادیده بگیرید و به کار خود ادامه دهید. ناسازگاری با سایر کودکان: فرزند خردسال شما دوستش را هل می‌دهد و به زور اسباب بازی را از دست او می‌گیرد. چرا؟

بهرتر است بدانید خردسالان نمی‌توانند احساسات دیگران را درک کنند. بنابراین رفتار او کاملاً عادی است و با رسیدن به سن چهار سالگی کم‌کم تعدیل می‌شود. اگر عصبانی شوید و کودک را کتک بزنید، او فکر می‌کند خشونت سریعترین راه حل مسائل است. به او کمک کنید عمل خود را از نقطه نظر دوستش مشاهده کند و احساس دوستش را هم درک کند.

حاضر جوابی: کودک به تمام درخواستهای شما جواب منفی می‌دهد. مثلاً شما می‌گویید: «دستهایت کثیف است، برو دستهایت را بشور.» او می‌گوید: «نمی‌خواهم.»

غالب بچه‌ها در سن سه سالگی این حالت را دارند و با رفتن به مدرسه کم‌کم از این حالت آنها کاسته خواهد شد. ممکن است کودک گاهی آنقدر گستاخ باشد که بخواهد عکس‌العمل شما را بسنجد و حدس بزند که تا چه حد می‌تواند پیشروی کند. ساده‌ترین راه این است که گستاخی او را به شوخی برگزار کرده و به رویش نیاورید.

بی ادبی: او کلمه یا حرکت جدیدی یاد

گرفته که شما را عصبی می‌کند، مانند زبان درآوردن. به محض آنکه بفهمد از این کار خوششان نمی‌آید، تا ابد آن را تکرار خواهد کرد. این گونه رفتارها در اطفال سه ساله بیشتر است و در زمان مدرسه رفتن از طریق یادگیری از بچه‌های بزرگتر تشدید می‌شود. فراموش نکنید که او در ابتدا نمی‌داند که این حرف یا حرکت زشت است. پس برای توضیح دهید که شما این رفتار یا حرف او را دوست ندارید و از شنیدنش عصبانی می‌شوید و بعد سعی کنید آن را نادیده بگیرید، در غیر این صورت او آن را وسیله‌ای برای برانگیختن شما قرار خواهد داد.

خشونت با شما: شما به طفل می‌گویید اسباب‌بازیهایش را با دوستش شریک شود و او در عوض به شما حمله می‌کند. اکثر نوجوانان این کار را انجام می‌دهند، خصوصاً وقتی واقعاً هیجانزده و عصبی باشند. مسلم است که او قصد ندارد به شما آسیبی برساند اما از طرفی قادر نیست خشم خود را کنترل کند. گاهی اوقات این عمل او به دلیل ناتوان بودنش است. یک مشت یا لگد، حتی از طرف یک بچه کوچک، می‌تواند دردناک باشد. در نتیجه اولین عکس‌العمل بی‌اراده شما کتک زدن او خواهد بود. اما با این کار تنها او را عصبیتر و به اعمال خشونت نسبت به سایرین تشویق می‌کنید. دستهای او را بگیرید و بگویید از اینکه دست شما بلند کرده، ناراحت هستید. سپس حواس او را به چیز دیگری پرت کنید.

شکستن یا پرت کردن اشیاء و غذا: کودک ممکن است به حد کافی غذا خورده باشد، بنابراین بشقاب را برمی‌دارد و پرتاب می‌کند. این عمل از کودکان یکسال به بالا سر می‌زند. در برخی مواقع تنها برای اینکه بدانند نتیجه چه می‌شود اشیاء را پرت می‌کند و این بیشتر جنبه اکتشاف دارد تا شیطنت. بچه‌های بزرگتر هم ممکن است با علم بر نادرست بودن آن، این کار را انجام دهند. بنابراین چیزهای شکستنی را تا زمانی که لازم است از دم دست دور نگه دارید.

قهر کردن: امروز به خانه دوستی رفته‌اید و حالا قصد بازگشت دارید. فرزند خردسال شما قهر می‌کند و از آمدن به خانه سر باز

می‌زند. کودکان کم‌سن کمتر قهر می‌کنند اما با بزرگتر شدن و رسیدن به دوران نوجوانی این رفتار را کاملاً می‌آموزند. وقتی کودکی قهر می‌کند، در واقع راهی برای سازش با احساساتش می‌جوید. در حقیقت این واکنش شکل آرامتر و خفیفتر یک جاروجنجال واقعی است. او قهر می‌کند تا حرف خود را به کرسی نشاند. اگر نمی‌توانید او را از این حال خارج سازید، بهتر است به حال خود واگذاریدش.

۱۰ نکته برای برخورد با کودکان شیطان!

۱- ثابت قدم باشید: فقط شما هستید که می‌توانید تعیین کنید چه نوع قانون و نظمی باید در خانواده حکمفرما باشد. هر قانونی را که تعیین می‌کنید در موردش ثابت قدم و البته منطقی باشید. مثلاً اگر نمی‌خواهید کودک آدامس بجود، هر بار که به خرید می‌روید، به این قانون خود وفادار باشید. اگر شما به دلیل بی‌تابی و سروصدای بچه، از موضع خود پایین بیایید نتیجه آن می‌شود که دفعه بعد بلندتر جیغ می‌کشد. به همسر یا سایر افرادی که طفل با آنها در ارتباط است، توضیح دهید که چرا نمی‌خواهید او آدامس بجود تا آنها هم با قواعد شما آشنا شوند.

۲- انعطاف پذیر باشید: اگر چه باید سعی کنید در خواسته خود استوار باشید، اما گاهی اوقات نیز می‌توانید در صورت لزوم، مواردی را استثناً قرار دهید. مثلاً به کودک اجازه دهید وقتی ناراحت است در تخت شما بخوابد یا وقتی بدخلق است و شما هم سردرد دارید، بدخلقیهایش را نادیده بگیرید. یک صلح موقت برای هردوی شما بهتر است.

۳- توضیح دهید: همیشه به کودک بگویید چرا رفتارش نادرست است. بچه از سن دو تا سه سالگی توضیحات ساده را درک می‌کند. مانند: «خواهش می‌کنم خواهرت را نزن، چون دردش می‌آید و گریه می‌کند.» یا «با استکانها بازی نکن، ممکن است بشکنند.» اما اگر بگویید: «فلان کار را نکن، چون من می‌گویم» توضیح مفید و منطقی به او نداده‌اید.



۴- چاره بهتری بیندیشید: اگر مجبورید بچه را از یک کار نادرست یا خطرناک منع کنید، موضوع جالبتری برای پرت کردن حواسش پیدا کنید. مثلاً اگر او مدام در قفسه آشپزخانه را باز می‌کند تا با قابلمه‌ها بازی کند، قابلمه‌ها را در قفسه دیگری بگذارید که او نتواند به آنها دسترسی داشته باشد. سپس چند قاشق چوبی یا کاسه نشکن را در قفسه اول قرار دهید که او بتواند با آنها سرگرم شود.

۵- زیاد سخت نگیرید: وقتی شما یک آتش‌پاره دو ساله در خانه دارید، زندگی

◀ چند توصیه عملی:

- جدولی تهیه کنید و برای هر کار خوب بچه - مثل مؤدب بودن، صبور بودن و مهربانی - یک ستاره در آن قرار دهید و سپس برای هر ۱۰ ستاره یک جایزه کوچک به بچه بدهید.

- اگر او در مقابل جمع شروع به بدرفتاری و جیغ و داد کرد، همان عکس‌العمل را نشان دهید که اگر در خانه بودید نشان می‌دادید.

- از کودک انتظار نداشته باشید که موجود کاملی باشد. رفتار صحیح، چیزی است که او باید بیاموزد، دقیقاً مانند راه رفتن و صحبت کردن و فراموش نکنید که رفتار صحیح را شما باید به او بیاموزید.

می‌تواند پر از جروب‌بحث و جاروجنجال باشد. برای ساده‌تر کردن زندگی گاهی اوقات مسائل جزئی را که اهمیت چندانی ندارند، کنار بگذارید. مثلاً نوبای شما می‌تواند این بار بدون جوراب با شما به خرید آید. با این حال فراموش نکنید تا جایی که لازم است محکم و استوار باشید.

۶- سریع عمل کنید: وقتی بچه شیطننت می‌کند، سریعترین و مؤثرترین کاری که می‌توانید انجام دهید این است که او را از آن موقعیت دور و یا جدا سازید. مثلاً اگر او طفل دیگری را می‌زند، او را به گوشه دیگری از اتاق برده و با یک «نه» محکم به او توضیح دهید که چرا نباید دیگران را کتک بزند و اگر باز هم این کار را تکرار کرد، او را کاملاً از

محیط خارج کرده و به منزل ببرید. هر تیبیهی برای یک بچه کوچک باید فوراً صورت گیرد. هیچ فایده‌ای ندارد که او را از رفتن به خانه مادر بزرگ یا خاله برای هفته دیگر منع کنید زیرا در طی یک هفته او نمی‌تواند به خاطر آورد که چرا اجازه ندارد به خانه آنها برود. در مورد کتک زدن باید گفت اگر چه تأثیر آنی دارد ولی نمی‌تواند با گذشت زمان همچنان کارگر باشد. تیبیه بدنی راهی است که کودک را تشویق می‌کند برای حل مشکلاتش حالت تهاجمی داشته باشد.

۷- کارهای خوب او را ارج نهید: وقتی بچه کار خوبی انجام می‌دهد، از او تمجید کنید و نشان دهید که از رفتار او کاملاً راضی هستید. اگر کودک در هنگام شیطننت و خرابکاری توجه بیشتری از شما ببیند فکر می‌کند وقتی خوب است، نادیده گرفته می‌شود. بنابراین برای جلب توجه شما دست به خرابکاری می‌زند. با گفتن جملاتی از قبیل: «متشکرم که در زمان رخت پهن کردن من بچه خوب و آرامی بودی.» یا اینکه: «تو در خانه دوست دختر خوبی بودی و من به تو افتخار می‌کنم.»

۸- کارهای بد او را نادیده بگیرید: البته گفتن این حرف راحت‌تر از عمل کردن به آن است. اما اگر بچه اصرار دارد برای جلب توجه شما هم که شده، زبانش را از دهانش بیرون آورد، او را نادیده بگیرید و به محض آنکه از این کار منصرف شد، به او توجه کامل نشان دهید.

۹- او را دوست داشته باشید و گاهی کمی از او فاصله بگیرید: تمام والدین برخی اوقات احساس خستگی و درماندگی می‌کنند. بنابراین فکر خوبیست که زمانی را هر چند کوتاه به خود اختصاص دهید. پس از یک استراحت کوتاه بهتر می‌توانید با شیطنتهای او کنار بیایید.

۱۰- با او همدردی کنید: اگر کودک شما دائماً ناسازگاری و شیطننت دارد دنبال دلیل نگردید. بهتر است این موضوع را با همسرتان نیز در میان گذارید. شاید کودک محبت بیشتری از شما می‌خواهد یا نمی‌داند شما چه انتظاری از او دارید.

«سیمای زن در

نظام اسلامی» !!

کاظم موسوی

نقدی بر کتاب «سیمای زن در نظام اسلامی»، تألیف آیت‌الله احمد آذری قمی

اینجا مناسب است نمونه‌هایی از آن شبهه‌ها و اشکالات را مطرح کرده به آنها پاسخ گویم.» (ص ۴۹ و ۵۰)

بعد از این اشکالها به ترتیب چنین یاد کرده‌اند: اشکال اول ارث، اشکال دوم دیه، اشکال سوم اختیار طلاق به دست مرد، اشکال چهارم حق سرپرستی مرد، اشکال پنجم تغییر حکم شرکت زنان در انتخابات. اما ایشان توجه نکرده‌اند که اعتراض و اشکال تراشی، قبل از همه از سوی خود مسلمانان و احیاناً از سوی بستگان حضرت محمد ص در همان دوره حضور ایشان، برخاسته است. بنابراین به صرف عملکرد سوء استعمارگران نمی‌توان سؤالات و مباحثات را یکسره به استعمار و همنوایی با او نسبت داد. ام سلمه، همسر آن حضرت اعتراض می‌کند که چرا مردان در جنگ شرکت می‌کنند و می‌رزمند ولی زنان این حق را ندارند و چرا باید زنان به نصف مردان ارث ببرند و باز اعتراض می‌کند که چرا نامی از زنان مهاجر در قرآن برده نمی‌شود.

اسماء، زن جعفر بن ابی‌طالب، که بعد از شهادت او زن ابوبکر و علی ع بود، وقتی از حبشه برگشت، پرسید آیا نامی از زنان در قرآن آمده؟ گفتند: نیامده. حضور پیامبر ص می‌رسد و می‌گوید چرا نامی از زنان برده نمی‌شود؟ که بعد از این در آیاتی از زنان نام برده می‌شود.

موارد اعتراض زنان در تاریخ اسلام زیاد بوده است که برای پرهیز از طولانی شدن، از نقل آن خودداری می‌کنیم و یادآور می‌شویم که تنها اشکال پنجم جدید است و احتمالاً ساخته دست استعمارگران.

◀ حجاب کامل یعنی مخفی شدن در چهاردیواری خانه!!

آیت‌الله آذری قمی نوشته‌اند: «حفظ حریم و شخصیت زن عفت اوست و اهمیت این مسئله تا بدانجاست که امیرالمؤمنین ع به فرزندش توصیه می‌کند: «اگر بتوانی غیر از خودت کس دیگر را نشناسد.» البته رعایت حجاب بدین صورت قابل پیاده شدن نیست. زیرا فاطمه اطهر ع و دختر گرامیش زینب ع و زنان پیامبر اکرم ص هم نتوانستند وظایف مهمتر را تعطیل کرده و به بالاترین مراحل حجاب برسند.» (ص ۷۳)

یادآور می‌شوم که آقای آذری قمی قبل از این، در جای دیگری از همین کتاب نظریه بالا را به کشورهای سرمایه‌داری نسبت داده‌اند: «آنها (کشورهای سرمایه‌داری) به این بهانه که زن در جوامع شرقی و اسلامی از حقوق انسانی خود محروم شده است و با این دسیسه که حجاب مانع فعالیت زن در کارهای اجتماعی است...» (ص ۴۹)

۵۰ سال گذشته، در آستانه هفته زن، از سوی مؤسسه انتشارات دارالعلم، کتابی تحت عنوان «سیمای زن در نظام اسلامی»، تألیف آیت‌الله احمد آذری قمی، صاحب امتیاز روزنامه رسالت در تیراژ ۵۰ هزار نسخه منتشر شد. همزمان با انتشار این کتاب نقدی به دست ما رسید که تاکنون به دلیل تراکم مطالب، موفق به چاپ آن نشدیم و از آنجا که دیدگاههای این کتاب بیان‌کننده اندیشه خاصی در باره زنان است و نماینده تفکر یک طیف مؤثر در حرکت و وضعیت زن مسلمان ایرانی است، با وجود تأخیر، انتشار آن را ضروری می‌دانیم. در این نقد، با مهمترین نقطه نظرات نویسنده محترم در باره زنان آشنا می‌شویم و نقد این نظرات را با استناد به آیات و روایات صحیح می‌خوانیم:

آنچه در این کتاب تأسف و تعجب خواننده را برمی‌انگیزد، انتخاب عنوان سیمای زن در نظام اسلامی برای کتاب و انتشار آن در تیراژی کم‌سابقه، برای چاپ اول، آن هم در هفته زن است. نظامی که در آن هفته، تلاش گسترده‌ای را برای بزرگداشت و اثبات اهمیت مقام زن به کار برد و البته اجازه انتشار چنین کتابی را صادر کرده است! علاوه بر این، آنچه بیش از همه توجه را به خود معطوف می‌دارد، تخفیف حکومت اسلامی در حد پیشنهاد دخالت کردن آن در کیفیت راه رفتن با ناز و عشوه بعضی از زنان! کافر دانستن زنان مسلمانی که حجابشان از نظر نویسنده کامل نیست و حتی ایجاد شبهه و تردید در کامل بودن حجاب حضرت زهرا ع و حضرت زینب ع و زنان پیامبر و در نتیجه تفسیر حجاب کامل به خانه‌نشینی زن است و بالاخره پررنگترین مسئله‌ای که در کتاب به چشم می‌خورد، این است که آنقدر بر وجوه جنسی زن و به قول نویسنده «مواضع مهیج» او تأکید می‌شود که می‌تواند خوانندگان مذکر کتاب را متغیر کند و این، قبل از توهین به مقام زن، ضعیف و سخیف معرفی کردن مردان است که به زعم نویسنده، هر ارتباطی با زن را فقط رابطه جنسی می‌بیند.

از این مقدمه که بگذریم، جناب آقای احمد آذری قمی عقیده دارند که پرسشهایی که پیرامون مسائل زنان مطرح است از سوی استعمارگران کشورهای سرمایه‌داری القا شده است. ایشان نوشته‌اند: «آنها برای این که زن مسلمان را نیز به پرتگاه سقوط نزدیک سازند شبهه‌ها القا کرده و بذر تردید در میان جوامع اسلامی افشاندند. در

● آیت الله آذری قمی: «حجاب باید به گونه‌ای باشد که مرد نتواند زن را ببیند و زن نتواند مرد را ببیند، در حالی که چادر چنین نیست.»



گذشته از این سخن نویسنده و استناد ایشان به روایت فوق از جهات متعدد دارای اشکال است از جمله:

الف: مخاطب حدیث دارای اشکال است. روایتی که مورد استناد قرار گرفته از سوی شیخ صدوق و جمع دیگری، خطاب به فرزند حضرت علی^ع، محمد، خوانده شده و از سوی حرّ عاملی و تنی چند از محدثان خطاب به امام حسن^ع. همچنین این حدیث را از سخنان ابن مقفع دانسته‌اند که گویا برای حکام بنی عباسی ساخته است.

ب: سند حدیث دارای اشکال است. حرّ عاملی برای روایت یادشده چهار طریق نشان داده که در طریق اول جعفر بن عنبسه شناخته شده نیست. عباد بن زیاد از یاران حضرت علی^ع است که در اینجا با یک واسطه از امام باقر^ع نقل می‌کند. با توجه به فاصله زمانی بسیار زیاد از دوره حضرت علی^ع قابل قبول نیست که او این همه عمر کرده باشد! علاوه بر این عمرو بن ابی المقدام را کسی از قدما توثیق نکرده، بلکه برخی او را تضعیف کرده و درباره او به اختلاف سخن رفته است. برخی او را از یاران امام سجاد^ع، برخی از یاران امام باقر^ع و برخی از یاران امام صادق^ع نوشته‌اند. همچنین در باره نام او اختلاف فاحشی دیده می‌شود. آقای خوبی، به مشرب خاص رجالی اش، که اسناد «کامل الزیارات» را قبول کرده، وی را ثقه می‌داند. این توثیق چون استنباطی است، فاقد حجیت است. در طریق دوم نیز اشکال است. ناقل این روایت، از روای قبل از خود که خبر را از او گرفته است، نامی به میان نمی‌آورد. معلی بن محمد تضعیف شده و نجاشی او را «مضطرب الحدیث و المذهب» خوانده است. علی بن حسان میان دو نفر مردد است. یکی ضعیف و دیگری مورد قبول و در این طریق روایت به علی بن حسان ضعیف می‌رسد که علمای بزرگ علم رجال او را «دروغگو» و «غالی» خوانده‌اند. آقای خوبی که سلسله سند «کامل الزیارات» را می‌پذیرد، در اینجا گفته: «ممکن نیست او را توثیق کنیم.» و طریق سوم به واسطه وجود سعد بن ظریف در سلسله سند ضعیف است. همچنین علی بن عبیدک ناشناخته و احمد بن محمد بن سعید عامی است. حسین بن علوان نیز عامی است و توثیق او استظهاری می‌باشد. حسن بن ظریف بن ناصح را، نجاشی توثیق کرده ولی در اجازه و خبر او این بطله قرار دارد، که ضعیف است. در این طریق، مخاطب سخن حضرت علی^ع، به جای امام حسن^ع، محمد نقل گردیده است. طریق انتسابی به شیخ صدوق، یعنی طریق چهارم، علاوه بر آنکه فاقد سند است، مخاطب را محمد معرفی می‌کند.

● در کتاب آمده: «اگر شبح بدن زن، ولو این که رنگ پوست او تشخیص داده نشود، دیده شود، چنین حجابی، حجاب اسلامی نیست.»

● در این کتاب آنقدر بر وجوه جنسی زن و به قول نویسنده «مواضع مهیج» او تأکید می‌شود که می‌تواند خوانندگان مذکر کتاب را متغیر کند و این، قبل از توهین به مقام زن، ضعیف و سخیف معرفی کردن مردان است که به زعم نویسنده، هر از تباطی با زن را فقط رابطه جنسی می‌بینند.

چگونه باید توجیه کرد؟ آیا شرکت زنان فقط در مبارزه لازم می‌شود و بعد از آن باید خانه‌نشین شوند؟ یا شرکت زنان بعد از مبارزه نیز لازم است؟ و اگر چنین است چرا باید حجاب به گونه‌ای باشد که مرد نتواند زن را ببیند؟ و چرا چادر را برای حجاب کافی نمی‌دانند و حجاب را چهاردیواری خانه تعبیر می‌کنند؟!

جناب آقای آذری در جای دیگری نیز دچار غلو و تدرروی شده و فتوی می‌دهند: «بنابر این شلوارهای تنگ و جورابهایی که حجم پا را نشان می‌دهد و استعمال عطر که طبعاً خاصیت تهییج را داراست و صوت نازک و ظریفی که از نای بیرون می‌آید یا از پا زدن بر زمین که به کمک خلخال و یا هر زیور دیگری به وجود می‌آید و یا غنای - چرخاندن صدا در گلو - زن و مرد که مستلزم تهییج شهوت باشد، همه و همه موجب مفسده‌اند و حرام می‌باشند.» (ص ۸۰)

و ادامه می‌دهند: «حکومت اسلامی موظف است عفت عمومی را حفظ کند. دولت باید مراکزی که عفت عمومی را خدشه‌دار می‌کند

این حدیث از موضوع یاد شده - که مورد استناد ایشان بود - سخن نگفته است.

ج: در اینجا «لایعرفن» به معنای عدم شناخت دقیق عقلی و قلبی است، شناختی که از کثرت معاشرت و تردد حاصل می‌آید و نوعی صمیمیت را اظهار می‌دارد. تفسیر این کلمه به دیدن با چشم، خطا است. در اینجا منظور این بوده که زن فقط همسرش را به رسمیت بشناسد، نه کس دیگری را! و نه اینکه موجودی باشد کور و کر و لال و بریده از اجتماع و زندان در چهار دیواری خانه.

د: موضوع یاد شده به فرض درستی سند آن - خاص مخاطب، یعنی امام حسن ع به عنوان امام و پیشوای مسلمانان یا محمد به عنوان یکی از شخصیت‌های مؤثر بوده‌است. حریم امام مسلمین ع یا چهره‌های ممتاز و درجه یک حکومت دینی با حریم افراد معمولی فرق دارد. همسر امام ع به عنوان امامت وضعیت ویژه‌ای دارد. طبیعی است که باید کسی او را نشناسد تا از انواع خطرات محفوظ باشد.

ه: ایشان مدعی‌اند حضرت زهرا س نتوانسته‌اند به بالاترین مراحل حجاب برسند. در جایی که آیت‌الله آذری قمی حتی حجاب حضرت زهرا س و حضرت زینب س و زنان پیامبر را هم کامل نمی‌دانند، وای بر حال زنان این دوره و زمانه که ایشان قرار است درباره آنان قضاوت و برایشان حکم صادر کنند. توجیه «وظایف مهمتر»، عذر بدتر از گناه است. به منطبق ایشان هیچ وظیفه‌ای مهمتر از حجاب، که منظورشان همان خانه‌نشینی زن است، وجود ندارد.

ایشان گفته‌اند: «حجاب باید به گونه‌ای باشد که مرد نتواند زن را ببیند و زن نتواند مرد را ببیند، در حالی که چادر چنین نیست.» (ص ۷۸)

همچنین می‌گویند: «پس این که در کشور ما و سایر کشورهای اسلامی مرسوم است که خانمها از مغازه‌ها خرید کرده و هیچ پرده‌ای بین آنها حایل نباشد، مخالف این دستور است.» (ص ۷۸)

طبق این دیدگاه باید شهرداریها در همه معابر و خیابانها و وسایل نقلیه پرده بکشند، زیرا اگر زنها درون کیسه هم بروند باز مردان به قول ایشان «شبح بدن» آنها را می‌بینند و اگر دولت را یارای چنین کاری نباشد، برای حفظ حجاب موردنظر نویسنده، زنان نباید از خانه بیرون بیایند! البته در جای دیگری نیز نوشته‌اند: «سخنرانی حضرت زهرا س در مسجد پیامبر اکرم ص در مقابل خلیفه وقت و دفاع از کیان امامت و ولایت و سخنرانی برای زنان مدینه و وصیت‌نامه حضرت، سند زنده‌ای برای لزوم شرکت بانوان در مبارزات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است.» (ص ۴۶)

اما برای خواننده توضیح نمی‌دهند که این سخن متعارض را



● آیت الله آذری قمی: «اگر حکومت برای زنانی که پستی و بلندی بدن خود را عرضه می کنند، فکری نکنند و یا برای رنگ لباسها و زینتها و کیفیت راه رفتن با ناز و عشوه و عطرها و زنده و روسریهای کذایی دخالتی نداشته باشد، به طور قطع این مسائل مشکلات زیادی را برای جامعه اسلامی به دنبال خواهد آورد.»

مادرش قدم به خارج از منزل بگذارد. معتقدان و پیروان این اندیشه برای آنکه به خواسته های خود رنگ دینی بدهند، سراغ آیه شریفه ۳۴، سوره نساء می روند و آن را به میل و رأی خود تفسیر می کنند. ناگفته نماند که جناب آقای آذری در این قسمت جزو این افراد نیستند زیرا آیه ۳۴، سوره نساء را به خلاف جمعی از مفسران، واقع بینانه معنی کرده اند اما ایشان سراغ روایتی رفته اند که رهنمودی برای حلّ یک مشکل در مقطعی خاص بوده است. روایت مورد اشاره، درباره تقسیم کار میان حضرت علیؑ و زهراؑ می باشد. به استناد این حدیث، هرچه در محدوده خانه باشد برعهده زهراؑ و هرچه بیرون از خانه بوده، به عهده علیؑ گذاشته شده است. در حالی که کار خانه بسیار دشوارتر از کارهای بیرون بوده است. آب کشی از چاه، آسیاب کردن، خمیر کردن و نان پختن و... همه در شرح وظایف زهراؑ قرار می گرفت و هیزم جمع کردن و خرید به عهده علیؑ بوده است. این روایت، شامل برهه اندکی از زندگی آن حضرات است و بعداً که توانایی مالی پیدا کردند، هیزم جمع کردن و... به عهده خادم منزل قرار گرفت و برخی از کارهای خانه نیز بردوش او بود. در دوره خانه نشینی علیؑ، زهراؑ از خانه خارج می شود و در امور سیاسی از علیؑ دفاع می کند. بنابر این اگر در سند حدیث ضعفی نباشد، این حدیث فقط یک راه حل کوتاه مدت برای زندگی حضرت علیؑ و زهراؑ بوده و به زمان خاصی مربوط می شود. تعمیم مضمون این حدیث به همه مردم در همه زمانها، تحت هر شرایط و اوضاع و احوالی، قابل قبول نیست. علاوه بر این سیره آن حضرات با دیدگاه قبلی نویسنده نمی سازد زیرا کارهای سخت بر عهده زهراؑ بود و در خارج از منزل به دفاع از حق خود، که نتیجه آن امرار معاش هم بود، و دفاع از علیؑ برآمد، در حالی که علیؑ در خانه نشسته بود. به فرض آنکه سخن آقای آذری درست باشد، روایاتی در مخالفت این دیدگاه وجود دارد. این روایات زن را مسئول و مدیر خانه می داند و برخلاف دیدگاه ایشان، امور فرزندان را برعهده زن می نهد.

حضرت محمد ص فرموده اند: «...والرجل راع علی اهل بینه [هو مسئول] و المرأة راعیه علی بیت زوجها و ولله [و هی مسئوله] = مرد حافظ منافع و نگهدارنده اهل خانه خود و زنش می باشد و در برابر این وظیفه مسئول است و زن نیز حافظ منافع و نگهدارنده خانه شوهرش و (سرپرست) بچه های اوست و مسئولیت دارد.»^۲

از این حدیث نکات جالبی برداشت می شود:

الف - شوهر در مقابل خدمت رسانی و حفاظت مسئول است و مورد بازخواست و پرس و جو قرار می گیرد. او نمی تواند به خودکامگی و خودمحوری پردازد. موظف است منافع همسر را در نظر بگیرد.

ب - رعیت مرد، یعنی اهل خانه، از سوی شوهر یا فرزندان از سوی زوجه، بیمه هستند. کسی که نگهداری را بر عهده دارد، ضامن

کنترل و یا تعطیل کند. دولت باید سینماها، آمفی تئاترها، صدا و سیما و رسانه های جمعی را دقیقاً زیر نظر داشته و آنها را کنترل نماید. اگر حکومت برای زنانی که پستی و بلندی بدن خود را - به خصوص قسمت هایی که مهیج و برانگیزاننده شهوت جوانان است - عرضه می کنند، فکری نکنند و یا برای رنگ لباسها و زینتها و کیفیت راه رفتن با ناز و عشوه و عطرها و زنده و روسری های کذایی دخالتی نداشته باشد، به طور قطع این مسائل مشکلات زیادی را برای جامعه اسلامی به دنبال خواهد آورد.

اگر شبح بدن زن ولو این که رنگ پوست او تشخیص داده نشود، دیده شود چنین حجابی حجاب اسلامی نیست.» (ص ۹۳)

چنانکه خود معترفند، تحقق این باید و نبایدهای آمرانه ممکن نیست. علاوه بر این، عمده مسائل یاد شده در این فتوی نامه، فاقد دلیل شرعی است و استنباط آن از آیه ۳۱ سوره نور، و تعیین مصداق و موضوع، کار بی نهایت مشکل، بلکه قریب به محالی است.

مقصود حرمت و هدف شارع را به صرف استحسان و استبعاد نمی توان دریافت. آیه شریفه یاد شده، صراحتاً از خلخال سخن می گوید و بر سیره رایج در آن عصر تأکید دارد. از این آیه نمی توان یک قاعده کلی در آورد که هرچه مهیج شهوت است حرام است و چون... مهیج شهوت است پس حرام خواهد بود. فقیه تعیین موضوع نمی کند و حکم کلی می دهد. این مکلف است که به نسبت حال و وضع خود تشخیص می دهد آیا برای شخص او شلوار تنگ مهیج هست یا نه؟ گذشته از این، چنین فتوایی با مبنای ایشان در مورد ولی فقیه نمی سازد. براساس آنچه از مبانی فکری ایشان می فهمیم، هیچ فقیهی حق ندارد به دولت و حکومت اسلامی فرمان بدهد و فقیهان، همه تحت امر ولی فقیه اند.

اشکال دیگر این بایدها و نبایدها آن است که همواره از زنان می خواهد حرف زنند، راه نروند، حق تعیین رنگ لباس نداشته باشند ولی هرگز به مردان بیمار، توصیه نمی کند چشم مریض خود را فرو بندند، قلب آلوده خود را پاک سازند و به صورت مهیج ظاهر نشوند.

◀ اعطای پست مدیریت کل خانواده به مرد

جناب آقای آذری نوشته اند: «کارهای داخلی منزل به کسی که بر عواطف و احساسات پاک استوار است، محول شده و کارهای خارج از منزل که بر عقل و حکمت استوار است، به مرد واگذار شده است. و چون مدیریت کل خانواده به عقل و حکمت و مدیریت نیاز دارد، مرد تصمیم گیرنده نهایی است و زن مشاور داخلی خانواده و امور مربوط به آن است.» (ص ۶۲)

این سخن بی دلیل از یک اندیشه پراسابقه و غیرت آمیز برآمده است. اندیشه ای که روابط صحیح و شرعی زن را بعد از ازدواج صرفاً به شوهر محدود می کند و حتی به زن اجازه نمی دهد برای دیدن پدر و

خسارت‌های وارده می‌باشد. بنابراین هر نوع توهین و آزاری، علاوه بر آنکه مجازات کیفری دارد، مجازات حقوقی نیز دارد. این کیفر حقوقی شامل خطاهای غیر عمدی نیز می‌شود.

ج - وقتی زن، نگهداری و حفاظت خانه و اموال و اولاد را بر عهده می‌گیرد، بدین معنی است که مرد (شوهر) در برابر تصمیمات او، حق اعمال سلیقه ندارد، در غیر این صورت بی‌معنی است اگر زن را حافظ و نگهدارنده خانه و فرزندان بدانیم.

افزون بر این، روایاتی در دست است که مشورت مرد با زن و جلب رضایت او را شرط می‌داند. چنین نیست که مرد هر چه بخواهد،

انجام دهد. بنابر این بر اساس دلایل و مدارک متقن، مرد را از مقام مدیریت کل خانواده عزل می‌کنیم!

موضوع برتری مرد به عقل و حکمت، نظریه بی‌سند و بلکه ابطال شده‌ای است که دیگر رنگ ندارد و به هیچ روی قابل استفاده نیست.

◀ زن، حیوان بی‌قیمت و بی‌ارزش!

ایشان با خطاب نازیبنده‌ای درباره منافع حجاب، سخنانی اظهار فرموده و در نهایت نوشته‌اند: «اساساً اگر زن مجذوبیت مردی را ولو در خیال و ذهن بررسی کند، درمی‌یابد که در این باره تحقیر شده است نه تکریم. چون جنس مخالف فقط او را محل ارضای غریزه جنسی و حیوانی خود قرار داده است. یعنی او را حیوانی بی‌قیمت و بی‌ارزش به شمار آورده است. امام صادق^ع در این باره می‌فرماید: «النظر الی عورة من لیس بمسلم مثل النظر الی عورة الحمار» نگاه کردن به عورت کافر مثل نگاه کردن به عورت حیوان است.» (ص ۸۵)

سخن جناب آقای آذری در این بخش، علاوه بر موهن بودن، مبهم و از هم گسسته است. اگر منظور ایشان از تشبیه به حیوان، لخت بودن باشد، باید گفت وجه تشبیه روشن نیست و بر فرض که روشن باشد، هیچ رابطه‌ای میان لخت بودن حیوان و بی‌حجابی زنان وجود ندارد. زن بی‌حجاب، مسلمان است و مشمول روایت یاد شده نیست و بر فرض اینکه زن بی‌حجاب را از مسلمانی خارج بدانند، آن تشبیه بر مقصود ایشان دلالت نخواهد داشت زیرا اولاً وجه تشبیه، در روایت، نیت نگاه‌کننده نمی‌باشد که به ناظر برمی‌گردد. سخن از نظر است که می‌تواند موضوع حکم قرار بگیرد، نه از ناظر که چگونه به منظورالیه می‌نگرد!

ثانیاً روایت فقط از مماثلت و مشابهت عورت غیرمسلم و حیوان سخن به میان آورده و در مورد حکم آن ساکت است. این که نگاه به عورت حیوان چه حکمی دارد، از این حدیث مشخص نمی‌شود. باید سراغ ادله دیگری رفت و از آن ادله، حکم نگاه به عورت حیوان را دریافت. در اینجا فقط می‌توان گفت: روایاتی وجود دارد که نگاه به عورت حیوان را منع کرده است، خصوصاً در وقت جفت‌گیری. پس به کمک آن روایات، معنی حدیث مورداستناد ایشان چنین خواهد بود: نگاه به عورت غیرمسلمان، مثل نگاه به عورت حیوان، جایز نیست.

آقای آذری این روایت را طوری در میان کلام خود جای داده، که خواننده ناآشنا با فقه و حدیث تصور می‌کند این روایت را امام صادق^ع درباره همین موضوع موردبحث ایشان فرموده‌اند. خواننده متوجه نمی‌شود هیچ ربطی میان آن روایت و سخن آقای آذری، جز واژه «حیوان» وجود ندارد. گذشته از این، جملات روایت به صورت مذکر

مطرح شده: منظور، نگاه مرد به عورت مرد کافر و یا زن به عورت زن کافره است، نه نگاه مرد به عورت زن کافره یا زن به عورت مرد! فقیهان هرگز فتوی نمی‌دهند که نگاه مرد به عورت زن کافره جایز باشد. موضوعی که ایشان در دنباله کلام خود یاد کرده‌اند ارتباطی با این سخن ایشان ندارد. بنابراین آیا از سخن جناب آقای آذری قمی جز این نکته برداشت می‌شود که زن واقعاً «حیوانی بی‌قیمت و بی‌ارزش» است؟

امیدوارم با این مختصر روشن شده باشد که ارباب و تخفیف زنان، برای قبولاندن احکام دین و حجاب و غیره به آنان، راه به جایی نمی‌برد - چنان‌که در سالهای اخیر تجربه شد - و از قضا نتیجه عکس می‌دهد. سلیقه‌های فردی را نمی‌توان در نقل و استنباط آراء دخالت داد و نظریات شخصی را، رأی و دیدگاه اسلام معرفی کرد چه اشکالی

دارد که بزرگی با کمال شهامت اعتراف کند این نظریات زاید فهم و افکار و تجارب شخصی است تا مردم، به ویژه زنان، از اصل دین گریزان نشوند و بدانند آراء دیگری نیز وجود دارد. فقیه اسلامی، مردم را از رحمت خدا مأیوس نمی‌کنند و آنان را به سوی خدا می‌خوانند، نه به سوی خود.

یادداشتها:

۱ - واژه عرفان، در شناخت به چشم و حواس نیز کاربرد دارد، چنان‌که در آیه شریفه ۳۱ نور آمده است. ولی در این روایت، در معنای شناخت به چشم به کار نرفته است.

۲ - در صفحه ۶۴ همین کتاب فرموده‌اند: «بنابراین باید حجاب مزبور و پوشیده بودن زن را «حجاب ابدآل و مطلوب» بدانیم و یا طرح چنین مطلبی را از سوی حضرت [حضرت علی^ع و همان روایت ضعیف] پاسخی بدانیم برای کسانی که شدت حجاب را نکوهش کرده و ضدارزش دانسته‌اند.» به نظر می‌آید که ایشان در فهم روایت مشکل داشته و متوجه معنای آن نشده‌اند!

۳ - در صفحه ۶۸ مطلبی نوشته‌اند که با این سخن ایشان متعارض است. بنگرید: «خداوند متعال زن را حافظ و مربی فرزند و پدر را در خدمت و حراست مادر و تأمین‌کننده هزینه زندگی و استراحت او قرار داده است. در ظاهر پدر مدیر و سرپرست است و در حقیقت مسئول و خدمت‌گذار زن می‌باشد.» چنین تهافتی در آثار ایشان زیاد دیده می‌شود.

۴ - پرسابقه، از آن جهت که سابقه آن قدیمی و در عین حال غیرقابل استفاده است؛ غیرت‌آمیز، از آن جهت که در فرهنگ غیرت جای داده شده است و حال آنکه غیرت نیست و نوعی سوءاستفاده از احساسات مردان است.

۵ - در تفسیر دقیق این آیه، سخن بسیار است. به مقاله قضاوت زن، مجله زنان، شماره ۴ و ۵ رجوع کنید.

۶ - حضرت زهرا^ع متولی اوقاف و صدقات پدر بزرگوارشان بوده‌اند و برای سرپرستی این اموال، که شامل هفت حائظ (بستان) بوده، قطعاً در خارج از منزل فعالیت می‌کرده‌اند. نیز برای پس گرفتن فدک، که سرمایه خوبی به حساب می‌آمد، به خانه خلیفه می‌رفته‌اند. بازپس گیری این اموال، برای خانواده‌علی^ع که وضع معیشتی خوبی نداشته‌اند، نوعی درآمد اقتصادی محسوب می‌شده است.

۷ - النکاح من فتح الباری، حسن الاسوه، نهج الفصاحه.

۸ - به مقاله قضاوت زن، مجله زنان، شماره ۴ و ۵ رجوع کنید.



چگونه به او بگوییم مادر باید بمیرد؟!!

◀ چطور به دخترم بگویم؟

عادات و برنامه روزانه کتی به ندرت دچار اختلال می‌شود. هنوز نصف آب‌نباتهایش را هم نخورده که طبق عادت دیرین، از مدتها پیش درصدد انتخاب لباس برای سال جدید است. او با تمام خصوصیات یک دختر هشت ساله، نیمی متکی به خود و نیمی متکی به من است. سؤالات متعدد او در مورد خدا و فرشته‌ها هنوز کودکانه است. اکثر اوقات به اظهارنظرهای عجیب و غریب بچه‌گانه او

اکنون که در آستانه قرن بیستم قرار داریم، پدر و مادرها در مورد هر موضوعی از پول و مواد مخدر گرفته تا ارتباط با همجنس و سایر مسائل با فرزندانشان حرف می‌زنند، ولی آیا در مورد مرگ هم می‌توان به همین سادگی با آنها صحبت کرد؟ این قطعه کوتاه، داستان یا بهتر بگوییم کابوسهای مادری است که به ما کمک می‌کند دریابیم چگونه با مسئله مرگ عزیزی کنار بیاییم. ■

گوش می‌دهم و با آنها سرگرم می‌شوم. بچه در این سن بسیار دوست داشتنی و شیرین می‌شود اما درعین حال دوران حساسی را پشت سر می‌گذارد. امسال همه چیز دگرگون شده و انگار زندگی تحت تأثیر نیروی قوی و گزنده قرار گرفته است: من مادر او هستم و شاید سال دیگر کنار او نباشم. حدود یک سال پیش پزشکان تشخیص دادند که من به نوعی سرطان غیرقابل علاج مبتلا هستم. من که در سراسر زندگی لب به سیگار نزده بودم، خود را با ریه‌هایی که

بیماری سراسر آن را فرا گرفته بود، تنها یافتیم همه توصیه‌های پزشکی را به کار بستیم، حتی شیمی درمانی را؛ اما بیماری همچنان سرسخت و پابرجاست و قصد ندارد مرا راحت بگذارد. جراحی هم دردی را دوا نمی‌کند. در حال حاضر، ما، یعنی من و سلولهای سرطانیسم، در نوعی آتش بس هستیم. اما می‌دانم که این وضع چندان دوام نمی‌آورد و هر روز منتظرم دکترهایم بگویند که دیگر کار تمام است و مسئله تنها به زمان بستگی دارد. مرگ برای همه، کابوس است و در مورد من وحشتناکترین قسمت کابوس این است که او مرا خیلی زودتر از آنچه که باید، از دخترم جدا می‌کند. البته من این احتمال را پذیرفته‌ام که شاید هیچگاه به سن چهل سالگی

که او هر روز پس از مدرسه، اول با آنجا تماس می‌گیرد تا از سیر تا پیمایش آنچه را که انجام داده است بگوید. نظرم از آنچه است که او بیش از همه قبول دارد و به آن اهمیت می‌دهد. آغوش من جایی است که او برای گله‌گزاری یا بحرانی جدی به آن پناه می‌آورد. حقیقت این است که با کنار گذاشتن تمام جنبه‌های زنانه و مادانه، من در کشتی زندگی او مانند لنگر هستم.

من دیوانه‌وار مشتاقم زمانی که مرگ من دنیای او را متلاشی می‌کند، به او کمک کنم. او با هشیاری و حساسیتی که دارد از همین الآن حس کرده که مسئله‌ای در میان است که من وابستگی او را به خود تا حدی کاهش داده‌ام. او شاهد ریزش موهایم و تحلیل

۱۲ ساله شد می‌تواند گوشش را سوراخ کند. من خیلی محرمانه به او قول داده‌ام که در آینده در به دنیا آوردن بچه‌اش به او کمک کنم. او بی‌صبرانه منتظر است تا دوره دبیرستان را در مدرسه قدیمی من آغاز کند و از من قول گرفته که در آن زمان از کمر بند لباس قدیمی من استفاده کند.

چطور می‌توانم موضوع را برای او توضیح دهم؟ چطور می‌توانم برایش توضیح دهم که «مادر باید بمیرد.» او چیزی بیش از دغدغه‌ها و دلخوریهای کوچک و دردهای جسمی ناچیز نمی‌داند. چگونه با این مسئله کنار می‌آید و چرا باید این کار را بکند؟ چطور ما برای همیشه از هم جداحافظی خواهیم کرد؟ وقتی او کوچکتر بود و از تاریکی می‌ترسید، کنارش می‌نشستم تا خوابش ببرد و اگر سعی می‌کردم پاورچین پاورچین، زودتر از اطاق خارج شوم، ناگهان صدایم می‌زد: «مامان نرو، مرا تنها نگذار.» من برمی‌گشتم و قول می‌دادم جایی نروم. هنوز هم گاهی هنگام خواب دچار کابوس می‌شود و به عادت کودکیش برمی‌گردد اما دیگر برایم بسیار دشوار است که به او بگویم: «نگران نباش عزیزم، من تو را تنها نخواهم گذاشت.» شاید بتوان با عقل و منطق، هر چیز دیگری را در مورد مرگ راحت‌تر پذیرفت اما این یکی واقعاً تراژدی غیرقابل تحملی است که ذهنم را راکد می‌کند. وقتی به غیر ممکن بودن گفتن «خداحافظ» فکر می‌کنم می‌پندارم شاید بیماری مرگبار من تسلیم شود و جا خالی کند.

من و دخترم در کارهای خانه، رویاها و داستانهای وقت خواب، روش خودمان را ادامه می‌دهیم، درست مانند همیشه و البته با اندکی شدت از طرف من. شبها وقتی او با لبخند و شب بخیر مرا در جایم می‌خکوب می‌کند و در خواب راحت و شیرین غوطه‌ور می‌شود، دعا می‌کنم که حداقل چند روز دیرتر با او بدرود گویم.

وقتی مرگ واقعیت می‌یابد.

نویسنده این مطلب، چند ماه پس از نوشتن این مقاله درگذشت. این گونه وقایع تلخ ممکن است در زندگی هر کسی اتفاق بیفتد. واقعاً برای مواجهه با موضوعی بدین مهمی چه باید کرد؟

● مرگ برای همه، کابوس است و وحشتناکترین بخش آن برای من این

است که مرا خیلی زودتر از آنچه که باید از دخترم جدا می‌کند!

● من دیوانه‌وار مشتاقم زمانی که مرگ من دنیای دخترم را متلاشی می‌کند، به او کمک کنم.

● او دارد برای روزی که به او اجازه دهم گوشش را سوراخ کند، روز شماری می‌کند و بی‌صبرانه منتظر است تا دوره دبیرستان را در مدرسه قدیمی من آغاز کند.

● شبها وقتی او با لبخند و شب بخیر مرا در جایم می‌خکوب می‌کند و در خواب راحت و شیرین غوطه‌ور می‌شود، دعا می‌کنم که حداقل چند روز دیرتر با او بدرود گویم.

نیروی جسمانیم بوده است. هر بار که من به بیمارستان می‌روم، اعتراض می‌کند و هنگام بازگشت، با آسودگی و شادی به استقبال می‌آید. او می‌داند که داروها چندان مؤثر نبوده‌اند و می‌پندارد که همانها باعث مریضی من شده‌اند. اما از رویه پرگویی، شادی و اعتمادی که در بنده گویی و حرف زدن دارد کاملاً روشن است که هیچ اندیشه‌ای از مرگ من در ذهنش نمی‌پروراند. پس نقشه‌هایمان چه می‌شود؟ او منتظر است که من او را به سفری که قول داده‌ام ببرم. او دارد برای روزی که به او اجازه دهم گوشش را سوراخ کند، روز شماری می‌کند. به او گفته‌ام که وقتی

نرسیم. اما نمی‌توانم حتی لحظه‌ای فکر کنم که دخترم را در این سن کم، تنها رها کنم. می‌دانم بچه‌ها با اینگونه مسائل بالاخره به نوعی کنار می‌آیند و اگر چنین اتفاقی بیفتد او نسبتاً وضعیت خوبی خواهد داشت. او دختر شاد، سالم و خودداری است. همه از کوچک و بزرگ، او را دوست دارند. او پدری دارد که او را به اندازه‌ی من دوست دارد و احتمالاً در آینده مادری نیز خواهد داشت که بخشی از زندگی او خواهد شد. اما من و او، برای هم طور دیگری هستیم. دست من دستی است که او در گردش و پیاده‌روی می‌گیرد و می‌فشارد، محل کار من جایی است

- هیچگاه سعی نکنید کودک را از واقعیت مرگ دور و غافل نگه دارید. آنچه که شما نتوانید برایش توضیح صحیحی بیابید، ممکن است در ذهن بچه، عقاید ناسالم و مخربتری ایجاد کند.

- سعی کنید به بهترین وجه علت مرگ را تصادف، بیماری یا کهولت، آنچنان که در حوزه فهم و ادراک کودک باشد، برایش توضیح دهید، حتماً تأکید کنید که بیماری خیلی مهلک بوده و یا تصادف خیلی شدید و خطرناکی روی داده، خصوصاً اگر شخص مرده، جوان و کم‌سال باشد.

- به کودک اطمینان دهید که او موجب مرگ شخص نشده و این حادثه نتیجه شیطنت، بدخلقی و یا حرف نشنوی او نیست و یا به دلیل آنکه زمانی او گفته یا فکر کرده «کاش فلان شخص بمیرد»، طبیعت مرگ را برای خردسالان به زبان خودشان توضیح دهید. بگویید که شخص مرده از آن پس غذا نمی‌خورد، حرف نمی‌زند، نفس نمی‌کشد و از همه مهمتر اینکه درد و ناراحتی را احساس نمی‌کند. بگویید او به جای خاصی می‌رود و نمی‌تواند باز گردد. این زمان فرصت مناسبی خواهد بود که عقاید مذهبی را در مورد موضوعاتی مانند زندگی روح پس از مرگ برای او بیان کنید.

- بچه‌ها را به مراسم سوگواری ببرید. متخصصان بر سر سن مناسب کودک برای شرکت در مراسم تدفین و سوگواری اختلاف نظر دارند. برخی می‌گویند سه سالگی و برخی پنج تا هفت سالگی را سن مناسب می‌دانند، اما همه توافق دارند که پس از توضیح چگونگی مراسم عزاداری، خود کودک باید در انتخاب کاملاً آزاد باشد.

اگر کودک بخواهد پیش از پایان مراسم محل را ترک کند، نباید هیچ قید و بندی در کار باشد. او کاملاً حق دارد که آن محل را ترک کند. هیچگاه به طفل نگویند برای از دست دادن عزیزی گریه نکنند، حتی منطقی‌تر است که کودک اشک شما را از اندوه رفتن او ببیند. اگر پدر یا مادری از دنیا برود، بچه ممکن است نگران امنیت و عاقبت خود باشد. اما آن دیگری که می‌ماند باید به او اطمینان خاطر دهد که او را تنها نخواهد گذاشت و باید از کسان دیگری که کودک آنها را می‌شناسد و دوستان دارد نام برد.

- پدر یا مادر از دست رفته، هیچگاه نباید به عنوان سلاحی برای کنترل رفتار بچه به کار رود. هرگز به چنین کودکی نگویند: «با این کارهای بدی که می‌کنی، اگر پدرت بود چه می‌گفت؟»

- احتمال دارد کودکی که مصیبت شدید و بزرگی به او وارد آمده، این فقدان یا مصیبت را انکار کند و ممکن است غم و غصه خود را به طریقی چون گوشه‌گیری، احساس بدبختی و تنهایی پنهان کند و با عوارض جسمی چون معده درد، گرفتگی گلو، بی‌اشتهایی و خستگی، به شدت سلامتش به خطر بیفتد.

احتمال دارد کودک نسبت به شخص متوفی و یا سایرین احساس خشم کند و یا

شخص متوفی را ایده‌آل خود قرار داده و شیوه‌های رفتاری او را پیش گیرد. هم چنین ممکن است یکی از بستگان یا دوستان را به عنوان جانشین او برگزیند.

به هر حال به خاطر داشته باشید که کودکان به شیوه‌های گوناگون و گاه بسیار پنهان، نسبت به مسائل دور و بر خود واکنش نشان می‌دهند. آنها بسیار حساسند و کوچکترین تغییری را در محیط تشخیص می‌دهند. اگر حس کردید که کودک پس از مرگ عزیزی، به حال عادی باز نگشته و یا برعکس خیلی زود و بی‌توجه به حال طبیعی برگشته، حتماً با روانکاو کودکان مشورت کنید و از او کمک بخواهید.

موسسه فرهنگی صراط به مناسبت هفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران منتشر می‌کند:

فربه‌تر از ایدئولوژی قصه‌آر باب معرفت حکمت و معیشت

از: دکتر عبدالکریم سروش

موسسه فرهنگی صراط
تلفن: ۸۸۵۳۳۵۳